

## طلاق زن آبستن بیش از یک بار در ترازوی داوری

**حسین زیدری**

دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد

jzeydary1373@gmail.com

**دکتر محمدرضا علمی سولا**

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

**دکتر حسین ناصری مقدم**

استاد دانشگاه فردوسی مشهد

### چکیده:

طلاق دادن زن باردار به اتفاق فقیهان فی الجمله جایز است اما در کیفیت و تعداد آن اختلاف بسیاری وجود دارد. در این خصوص چهار نظریه اصلی و برخی ریز نظریات در فقه امامیه مطرح شده است. دو قول به صدوقان نسبت داده شده است. نخست منع مطلق از طلاق بیش از یک بار و دوم جواز طلاق دوم و سوم بدون تفاوت میان طلاق عدی و سنی، منتها پس از سپری شدن سه ماه. ابن جنید قائل به منع طلاق عدی تا یک ماه شده و متعرض غیر آن نشده است. شیخ طوسی طلاق دوم عدی را مطلقاً اجازه کرده ولی از طلاق دوم حامل به صورت سنی منع کرده است. مشهور متأخران، ابن ادریس و محقق حلی به طور مطلق طلاق حامل را مجاز دانسته‌اند و قانون مدنی نیز بر اساس رأی آنان تنظیم شده است. اما دلیل اصلی اختلاف اقوال، روایات مختلفی است که افزون بر درجات مختلف صحت و وثوق، دارای مفاد متفاوتی نیز هستند. هر یک از صاحبان مذاهب چهارگانه، بر اساس دیدگاه خود میان این روایات، جمع کرده است. دیدگاه منتخب این مقاله تفصیل در مسئله است به این صورت که اگر زوج با قصد طلاق دادن مجدد به زن رجوع کرده است، حق طلاق دوم و سوم را پیش از انقضای عده (وضع حمل) ندارد ولی اگر با قصد امساک به او رجوع کرده و سپس دچار تبدل رأی گشته است می‌تواند او را دوباره طلاق دهد. دلیل این نظر، عمل به جمع عرفی بر اساس اصول قرآنی است.

**کلیدواژگان:** طلاق زن آبستن؛ طلاق عدی؛ طلاق سنی؛ قانون مدنی.

## الف) تبیین مسئله:

یکی از مسائلی که در فقه امامیه معرکه اقوال است و حل و فصل آن نیاز به توانایی بالایی در حل تعارض نصوص دارد، مسئله طلاق حامل است. این موضوع از دیرباز محل توجه فقیهان بوده است به طوری که از زمان صدوقان به بعد، محط نظر و نقض و ابرام آنان قرار گرفته است گر چه در کلمات معاصران چندان مورد اقبال واقع نشده است. اصحاب امامیه بر جواز یک بار طلاق حامل، اتفاق نظر دارند<sup>۱</sup> و روایات بسیاری بر این مطلب دلالت دارند. همان گونه که بدون هیچ خلافی طلاق سنی حامل جایز است به این معنا که پس از انقضای عده با او ازدواج کند سپس او را برای بار دوم طلاق دهد زیرا انقضای عدهی او با وضع حمل است و با آن، عنوان حامل زائل می‌گردد. اختلاف در بیشتر از یک بار به صورت عدی یا سنی مقابل عدی است یعنی طلاق زن پس از رجوع، بدون واقعه. مشهور بین اصحاب، جواز طلاق حامل در هر دو جا است بلکه در شرایط، محکی قواعد، ایضاح و شرح صیمری در مقام اول (عدی) ادعای اجماع هم شده است.<sup>۲</sup> اما از صدوقان دو قول نقل شده است. در رساله<sup>۳</sup> ممنوعیت مطلق طلاق زن حامل نقل شده است و در مقنع، منع پیش از سپری شدن سه ماه بعد از واقعه آمده است.<sup>۴</sup> ابن جنید نیز معتقد است طلاق بیش از یک بار به صورت عدی، قبل از سپری شدن یک ماه جایز نیست.<sup>۵</sup> شیخ در نهاییه،<sup>۶</sup> ابن براج<sup>۷</sup> و ابن حمزه<sup>۸</sup> طلاق سنی را منع کرده و عدی مقابل آن را اجازه کرده‌اند. همان گونه که ملاحظه می‌شود شناخت مفهوم طلاق عدی و سنی در این مبحث، سهم مهمی دارد که در قسمت بعدی بدان پرداخته می‌شود. قانون مدنی نظر مشهور را به رسمیت شناخته و در ماده ۱۱۴۰ مقرر می‌دارد: طلاق زن در مدت عادت زنانگی یا در حال نفاس صحیح نیست مگر این که زن حامل باشد یا طلاق قبل از نزدیکی واقع شود یا شوهر غائب باشد به طوری که اطلاع از عادت زنانگی زن نتواند حاصل کند.<sup>۹</sup> اما چرایی اختلاف فقیهان در این موضوع، به اختلاف روایات باب بر می‌گردد. این روایات که به لحاظ سندی بعضاً صحیح و بعضاً موثق یا معتبر و برخی نیز ضعیف‌اند، از منظر دلالتی نیز لسان متفاوت و گاه متعارضی دارند. فقیهان برای علاج ناسازگاری این روایات، محامل و طرق جمع متفاوتی ارائه کرده‌اند که از همین رهگذر، اقوال متفاوتی پدید آمده است. در این نوشتار ضمن ذکر اقوال و ادله آنها به داوری این اقوال و ارائه دیدگاه راجح خواهیم پرداخت.

## ب) پرسش‌های تحقیق:

بنا بر آن چه گفته شد، پرسش نهادین این پژوهش، جواز طلاق زن آبستن بیش از یک بار است؟ این پرسش خود به چند زیرپرسش منحل می‌گردد: قول مشهور در این زمینه چیست؟ فقیهان متقدم و متأخر در این خصوص بر چه باوری هستند؟ آیا میان طلاق سنی و عدی در این موضوع تفاوتی هست؟ آیا مفهوم سنی و عدی دارای معانی واحدی در نزد فقیهان امامیه

۱. شهید ثانی، مسالک الافهام، ۱۳۱/۹

۲. محقق حلی، شرایع، ۵۸۹/۳؛ علامه، القواعد، ۱۳۹/۳؛ فخر المحققین، ایضاح الفوائد، ۳۱۷/۳؛ صیمری بحرانی، غایة المراد، ۱۳۱

۳. ابن بابویه، فقه الرضا، ۲۴۴

۴. ابن بابویه، المقنع، ۳۴۶

۵. به نقل از علامه در المختلف، ۵۸۸

۶. طوسی، النهایة، ۵۱۶

۷. ابن براج، المذهب: ۲۸۵/۲

۸. ابن حمزه، الوسيلة، ۳۲۲

۹. منصور، قانون مدنی، ماده ۱۱۴۰

است؟ قانون مدنی ما بر کدامین نظر، تدوین گشته است؟ و نهایتاً این که کدامین رأی از این آراء، دارای مستندات قابل قبول تری است؟

در این نوشتار به پرسش های فوق پاسخ داده شده است.

### ج) پیشینه تحقیق:

همان گونه که پیش از این هم اشاره شد، موضوع طلاق بیش از یک بار زن آستن، گر چه در کلمات متقدمان و متأخران، مطرح شده و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است، اما فقیهان معاصر چندان به آن اقبالی نشان نداده اند و تا آن جا که جستجو گردید، هیچ مقاله ای در این خصوص نگارش نیافته است و در کتب فقهی و حقوقی در مبحث نکاح و طلاق، به این موضوع پرداخته نشده است. اما در کلمات متقدمان و متأخران نخستین فقیهی که به موضوع طلاق حامل و کیفیت آن پرداخته است، صدوق اول است که طلاق حامل را یکی و عده اش را وضع حمل می داند<sup>۱</sup> و فرزندش شیخ صدوق نیز همین موضع را اتخاذ می کند. <sup>۲</sup> پس از او سید مرتضی، <sup>۳</sup> شیخ طوسی، <sup>۴</sup> ابن براج، <sup>۵</sup> ابن ادریس، <sup>۶</sup> محقق حلی، <sup>۷</sup> فاضل آبی <sup>۸</sup> قمی سبزواری، <sup>۹</sup> علامه، <sup>۱۰</sup> فخر المحققین، <sup>۱۱</sup> شهید اول، <sup>۱۲</sup> ابن فهد حلی، <sup>۱۳</sup> محقق ثانی، <sup>۱۴</sup> شهید ثانی، <sup>۱۵</sup> سید محمد عاملی، <sup>۱۶</sup> سبزواری، <sup>۱۷</sup> فاضل هندی، <sup>۱۸</sup> بحرانی، <sup>۱۹</sup> سید محمد جواد عاملی، <sup>۲۰</sup> طباطبایی، <sup>۲۱</sup> صاحب جواهر، <sup>۲۲</sup> انصاری، <sup>۲۳</sup> صاحب عروه، <sup>۲۴</sup> خوانساری <sup>۲۵</sup> و روحانی <sup>۲۶</sup> چه به اجمال و چه به تفصیل به موضوع طلاق حامل پرداخته اند که در مباحث آینده بدان ها اشاره خواهد شد.

۱. به نقل از مختلف، ۳۶۲/۷
۲. ابن بابویه، المقنع، ۳۴۶؛ دو قول به صدوقان انتساب یافته است. یکی منع مطلق از طلاق دوم حامل و دیگری منع طلاق دوم پیش از سه ماه. انتساب دوم اشهر است.
۳. علم الهدی، رسائل المرتضی، ۱۸۶/۱
۴. طوسی، الخلاف، ۴۵۴/۴
۵. ابن براج، المهنّب، ۲۸۵/۲
۶. ابن ادریس، السرائر، ۱۵۰/۱
۷. محقق حلی، المختصر النافع، ۱۹۹
۸. فاضل آبی، کشف الرموز، ۲۱۶/۲-۲۱۷
۹. قمی سبزواری، جامع الخلاف و الوفاق، ۴۸۳
۱۰. علامه حلی، المختلف، ۳۶۱/۷-۳۶۲؛ منتهی المطلب، ۲۷۷/۲
۱۱. فخر المحققین، ایضاح الفوائد، ۳۱۷/۳
۱۲. شهید اول، اللّعة الدمشقیة، ۱۸۰
۱۳. ابن فهد، المهنّب البارع، ۱۵۳/۱ و ۴۶۶/۳
۱۴. محقق ثانی، جامع المقاصد، ۳۲۶/۱
۱۵. شهید ثانی، الروضة البهیة، ۴۰/۶ و مسالک الافهام، ۱۳۰/۹
۱۶. عاملی، جامع المدارک، ۵۱/۲
۱۷. سبزواری، کفایة الاحکام، ۳۳۸/۲
۱۸. فاضل هندی، کشف اللثام، ۱۰۷/۸
۱۹. بحرانی، الحدائق الناضرة، ۲۸۳/۲۵-۲۹۳
۲۰. عاملی، مفتاح الکرامه، ۱۴۲/۳
۲۱. طباطبایی، ریاض المسائل، ۸۴/۱۱ و ۱۲۸
۲۲. صاحب جواهر، جواهر الکلام، ۱۳۲/۳۲-۱۳۵
۲۳. انصاری، کتاب الطهارة، ۲۴۵/۱
۲۴. یزدی، العروة الوثقی، ۹۱/۶
۲۵. خوانساری، جامع المدارک، ۵۲۴/۴
۲۶. روحانی، فقه الصادق(ع)، ۴۵۸/۲۲

اما پیش از ورود در بیان اقوال و ادله، ناگزیریم اقسام طلاق را که در مباحث بعدی نقش تعیین کننده دارند بازشناسی کنیم. طلاق به دو قسم سنی (اعم) و بدعی و سنی به معنای اعم نیز به دو گونه بائن و رجعی و طلاق رجعی هم به عدی و غیر عدی (سنی اخص) تقسیم می‌گردد.

## ۲- مفهوم‌شناسی:

به طور خلاصه طلاق دو قسم است: سنی به معنای اعم و بدعی. طلاق سنی به معنای اعم نیز بر دو قسم است بائن و رجعی و طلاق رجعی به عدی و غیر عدی (سنی به معنای اخص) تقسیم می‌شود. اینک به بیان هر یک از اقسام می‌پردازیم:

### نخست: طلاق سنی به معنای اعم

طلاق سنی به معنای اعم یعنی طلاق جایز شرعی است اعم از این که واجب (مانند طلاق مؤلی وظهارکننده)، مندوب (مانند طلاقی که در حالت شقاق زوجین باشد) یا مکروه (طلاق در حالت التئام زوجین) باشد (بحرانی، ۲۶۸/۲۵).

### دوم: طلاق بدعی:

طلاق بدعی منسوب به «بدعت» است که ایقاع آن حرام است. طلاق بدعی دارای سه سبب است: طلاق زن غیر حامله در حالت حیض یا نفاس در فرضی که شوهر با او نزدیکی کرده و همسرش نزد او حاضر باشد یا در فرض غیبت، مدتی که عادتاً در آن زن از پاک‌ای به پاک‌ای دیگر منتقل می‌شود، صبر نکنند یکی حیض است که طلاق حائض پس از دخول با حضور زوج یا حکم آن، جایز نیست و همچنین است طلاق نفساء. دوم آن که زن را در طهر موقعه در فرضی که زن یائسه، نابالغ یا حامله نباشد طلاق دهد این دو سبب بین خاصه و عامه مورد توافق است. سوم سه طلاقه کردن زن بدون آنکه بین طلاق‌ها، رجوعی صورت گیرد. تحریم در این صورت، از خصوصیات مذهب امامیه است که ابوحنیفه و مالک با امامیه در بدعی بودن جمع بین چندین طلاق با لفظ واحد، موافقت کرده‌اند اما جمهور فقیهان بر صحت طلاق بدعت به همراه گناه اتفاق دارند. لکن اصحاب امامیه بر بطلان آن در بیشتر از یکی اتفاق دارند چرا که در فرض آنکه چند طلاق را با لفظ واحد منعقد کند صرفاً یک طلاق محقق می‌شود و با لفظ واحد نیز یکی تحقق می‌یابد بنا بر اختلافی که وجود دارد.<sup>۱</sup>

### سوم: طلاق سنی بائن

که رجوع زوج جایز نیست و اقسام آن عبارتند از: طلاق غیر مدخول بها، یائسه، زنی که به سن حیض نرسیده است، مختلعه و مبارات ما دامی که در زمان عده، به بذل خود رجوع نکنند، و مطلقه بار سوم که بین دو طلاقش دو رجوع باشد (بحرانی، ۲۶۸/۲۵).

### چهارم: طلاق رجعی عدی

طلاقی است که رجوع با آن جایز است اگر چه که رجوع نکند و این در همه اقسام شش‌گانه بائن است. بنا بر این، طلاق مختلعه گاهی از اقسام بائن است و آن در جایی است که زوجه در بذل، رجوع نکند و گاهی از اقسام رجعی است و آن در صورت رجوع است و اطلاق رجعی در این قسم، به سبب جواز و امکان رجوع در آن است. از بعضی از افراد رجعی به

۱. بحرانی، الحدائق الناضرة، ۲۶۸/۲۵

طلاق عده (عدی) تعبیر می‌شود که عبارت است از این که همسرش را با شرایط لازم طلاق داده و سپس پیش از خروج از عده رجوع و مواقعه کند و آن گاه در غیر طهر مواقعه طلاق داده و باز رجوع و مواقعه کند و سپس در طهر دیگر او را طلاق دهد. این زن در طلاق سوم بر این مرد حرام می‌گردد مگر با زوج دیگری نکاح کند و در بار نهم حرام ابدی می‌شود و این مسئله مخالفی ندارد. البته اگر طلاقش پس از رجوع و پیش از مواقعه باشد نیز صحیح است ولی دیگر طلاق عدی نامیده نمی‌شود زیرا یکی از شرایطش که مواقعه باشد مختل شده است و طلاق سنت (سنی) به معنای اعم خواهد بود.<sup>۱</sup>

باید توجه کرد که «طلاق سنی» دارای دو اصطلاح اعم و اخص است. طلاق سنی به معنای اعم، همان است که در تقسیم قبلی بدان اشاره شد و مقابل طلاق بدعی است. طلاق سنی در این معنا، طلاقی است که بر اساس سنت پیامبر (ص) جایز و مشروع است. اما طلاق سنی به معنای اخص، در مقابل طلاق عدی قرار دارد. به طور خلاصه طلاق سنی آن است که مرد همسرش را در طهر غیر مواقعه یک بار طلاق بدهد و سپس رهاش کند تا عده‌اش تمام گردد. در این صورت، آن دو از هم جدا شده و مرد در میان خواستگاران نسبت به زن ترجیحی ندارد. اما طلاق عدی آن است که همسرش را در طهر غیر مواقعه طلاق داده و پیش از پایان عده به او رجوع کرده و مواقعه می‌کند تا عادت شود و همین کار را دو بار دیگر انجام می‌دهد که در این صورت زن بر او حرام می‌شود مگر از طریق محلل اقدام کند.<sup>۲</sup> اخبار بسیاری در تقسیم طلاق به طلاق عدی و سنّة وارد شده است.<sup>۳</sup>

### ۳- اقوال مختلف فقهی در ارتباط با طلاق حامل

#### الف) جواز یک بار طلاق دادن حامل

طلاق حامل فی الجمله جایز است به این معنا که نفس باردار بودن زن، مانعی برای طلاق او به شمار نمی‌رود. به عبارت دیگر، کسی معتقد نیست که حامل را به هیچ وجه نمی‌توان طلاق داد. بنا بر این، یک بار طلاق دادن زن باردار قطعاً بلا اشکال است.

#### ادله جواز یک بار طلاق:

یک: اجماع؛ بسیاری از فقیهان بر جواز طلاق زنی که بارداریش معلوم است، ادعای اجماع کرده‌اند.<sup>۴</sup> بحرانی در این خصوص می‌نویسد: یک بار طلاق دادن زن آبستن قطعاً بدون اختلافی بین فقیهان جایز است.<sup>۵</sup>

دو: روایات؛ بر اساس منطوق و فحوای برخی روایات، طلاق حامل فی الجمله صحیح است که در دسته چهارم روایات در مباحث آتی بدان‌ها پرداخته شده است. این روایات را حر عاملی در جلد پانزدهم تحت عنوان «باب جواز طلاق زوجة

۱. بحرانی، الحدائق الناضرة، ۲۵/۲۶۹

۲. محقق حلّی، الشرائع، ۳/۲۴؛ علامه حلّی، التحرير، ۲/۵۴؛ القواعد، ۲/۶۴

۳. کلینی، الکافی، ۶/۶۴؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ۱۵/۳۴۴

۴. ابن فهد، المهذب البارع، ۳/۴۶۷ و فاضل مقداد، کنز العرفان، ۲/۳۲۱، و شهید ثانی، مسالک الافهام: ۲/۲۱، و سبزواری، کفایة الاحکام،

۲۰۲

۵. بحرانی، الحدائق الناضرة، ۲۵/۲۸۳

الغائب والصغيرة وغير المدخول بها والحامل واليايسة على كل حال» آورده است.<sup>۱</sup> در این باب جمعاً پنج روایت ذکر شده است که حداقل دو تای آنها صحیحه است. مانند قول ابو جعفر (ع) در روایت صحیحه اسماعیل بن جابر جعفی:

پنج گروه از زنان در هر حالتی طلاق داده می‌شوند: ... حاملی که حملش یقینی است الحدیث.<sup>۲</sup>

بحرانی در تعلیل این موضوع می‌نویسد: ... و دلیل آن هم دسته‌ای از اخبار است مانند قول امام صادق (ع) در صحیحه حلبی:

طلاق پنج گروه در هر حال اشکال ندارد: زنی که شوهرش غائب است، زنی که هنوز حیض نشده است، زنی که مدخول بها نیست، زن آبستن و زنی که از محیض دچار یأس شده است.<sup>۳</sup>

او در ادامه می‌نگارد: با این مضمون اخبار بسیاری است و دلیل این که طلاق این زنان در هر حالی جایز است، آن است که ایشان از آبستنی در امان هستند.<sup>۴</sup> روایت جمیل بن دراج، محمد بن مسلم و زراره، و حماد بن عثمان از دیگر این دسته روایات هستند.<sup>۵</sup>

مراد حضرت از «علی کل حال» حال حیض یا اعم از آن و حال طهر موقعه است. لفظ اگر چه عام است لکن طلاق زن در حال طهر غیر موقعه محل شک و تردید نیست تا نیازمند بیان باشد، بلکه چیزی که نیاز به بیان دارد، حال حیض و طهر موقعه است. با این بیان، نمی‌توان چنین گفت که نسبت میان این روایات و ادله‌ی بطلان طلاق در حال حیض، عموم من وجه است که در نقطه اجتماع، تعارض می‌کنند زیرا طائفه اول روایات شامل موردی که یکی از این موارد مستثنی را در ایام طهر طلاق داده است می‌شود...<sup>۶</sup>

سه: قاعده مقتضی و مانع؛ برخی برای صحت طلاق حامل به قاعده‌ی مقتضی و مانع تمسک کرده‌اند به این صورت که مقتضی جواز طلاق حامل وجود دارد (اطلاقات و عموماً طلاق) و مانعی نیز در کار نیست.<sup>۷</sup> در حقیقت مراد شهید از قاعده مقتضی و مانع، همان اصالت العموم و اصالت الاطلاق است مانند آیات ۲۴۲ تا ۲۲۸ سوره مبارکه بقره در بحث طلاق.

### ب) جواز طلاق پیش از یک بار حامل

اما طلاق افزون بر یک بار زن باردار معرکه آرا است. در مجموع چهار قول اصلی در این مسئله وجود دارد. قول صدوقان، قول ابن جنید، قول شیخ طوسی و قول ابن ادریس و معظم متأخران.

اینک به بیان هر قول به همراه ادله و مستندات آن می‌پردازیم:

#### ۱) قول صدوقان

۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، ۳۰۵/۱۵ تا ۳۰۶
۲. کلینی، الکافی، ۷۹/۶، حر عاملی، وسائل الشیعة، ۳۰۵/۱۵
۳. کلینی، الکافی، ۷۹/۶؛ حر عاملی، ۳۰۶/۱۵
۴. بحرانی، الحدائق الناضرة، ۲۸۳/۲۵
۵. حر عاملی، وسائل الشیعة، ۳۰۵/۱۵ تا ۳۰۶
۶. سبحانی، نظام الطلاق فی الشریعة الغزاة، ۴۳
۷. شهید ثانی، مسالک الاقهار، ۱۳۰/۹

در این مسئله دو قول به صدوقان داده شده است. نخست منع بیش از یک طلاق چه به صورت سنی و چه عدی به طور مطلق.<sup>۱</sup> دوم منع از طلاق دوم حامل پیش از سپری شدن سه ماه. به نظر می‌رسد صدوقان از قول منع مطلق منصرف شده و به قول سپری شدن سه ماه گرویده‌اند زیرا غیر از نسبتی که دیگران به آنها داده‌اند، در هیچ یک از کتب آنان منع مطلق وجود ندارد. صدوقان در رساله و مقنع بر این باورند: اگر زوج پیش از وضع حمل به زن آستن رجوع کند یا سه ماه از زمان طلاق بر او بگذرد و بخواهد او را طلاق دهد، جایز نیست مگر وضع حمل کرده و پاک شود.<sup>۲</sup> این عبارات در منع از طلاق دوم مادامی که حامل است یا سه ماه نگذشته است ظهور دارند اعم از این که طلاق عدی یا غیر آن باشد.<sup>۳</sup> برای توضیح بیشتر، متن مقنع ذکر می‌گردد. بدان که عده‌ی زنان باردار، وضع حملشان است که نزدیک‌ترین دو زمان (اقراب الاجلین) است. بنا بر این، چنانچه در روز طلاق یا پس از آن هر مقدار که باشد، وضع حمل یا سقط نماید، از شوهرش جدا شده و برای دیگران حلال می‌گردد و اگر پیش از آن که وضع حمل کند، سه ماه از طلاق بگذرد، از شوهر جدا می‌شود ولی تا پیش از وضع حمل، برای دیگران حلال نخواهد شد. حال اگر شوهر پیش از وضع حمل یا سپری شدن سه ماه به او رجوع کند، و سپس بخواهد او را طلاق دهد، پیش از وضع حمل و پاک شدن (از نفاس) چنین حقی ندارد.<sup>۴</sup>

یکی از محققان در نسبت دادن قول به سه ماه به صدوق تردید کرده است. این محقق بر این باور است که نسبت دادن قول به تقیید منع به پیش از سه ماه و جواز به بعد از آن و لو پیش از وضع حمل، به صدوقان صحیح نیست زیرا تقیید در کلام آن دو برای بیان محل جواز رجوع است نه تحدید محل جواز در طلاق زائد پس از رجوع.<sup>۵</sup> به عبارت دیگر قصد آنها تعیین جایی است که رجوع در آن جایز است و اساساً مرادشان در مشخص کردن محل جواز طلاق بیش از یک بار نیست.

### دلیل قول صدوقان:

همان‌طور که گفته شد دو قول به صدوقان نسبت داده شده است. یکی منع مطلق از طلاق دوم و دیگری جواز بعد از سپری شدن سه ماه. دلیل منع مطلق، عموم اخبار صحیح مستفیض و نیز معتبری است که ظهور در یکی بودن طلاق زن باردار دارند. افزون بر این که برخی از روایات، به منع مطلق طلاق حامل تا خروج از عده (وضع حمل)، تصریح کرده‌اند، حال یا به صورت مطلق همان‌طور که اظهر و اشهر بین این طائفه است یا به شرط سپری نشدن سه ماه.<sup>۶</sup> روایات دسته اول از این قرار است:

- روایت صحیح‌ه شیخ در تهذیب در باره زن آستن از امام صادق (ع): طلاق حامل یکی است و اگر زن خواست، مرد پیش از وضع حمل به او باز می‌گردد ولی اگر پیش از رجوع، وضع حمل نمود، از مرد جدا شده و مرد مانند دیگر خواستگاران است.<sup>۷</sup>
- اسماعیل جعفری در خبر صحیح از ابو جعفر (ع) که فرمود: طلاق حامل یکی است، پس هر گاه وضع حمل نمود، از مرد جدا می‌شود. کلینی نیز مانند آن را روایت کرده است.<sup>۸</sup>

۱. حکاه عن والده في المختلف، ۵۸۸؛ و عاملی، نهاية المرام، ۵۴/۲

۲. ابن بابویه، المقنع، ۳۴۶

۳. طباطبایی، ریاض المسائل، ۲۵۱/۱۲

۴. ابن بابویه، المقنع، ۳۴۵ تا ۳۴۶

۵. طباطبایی، ریاض المسائل، ۱۷۸/۲

۶. علی بن بابویه، فقه الرضا، ۲۴۴؛ علامه، المختلف، ۵۸۸، و ابن بابویه، المقنع، ۳۴۵

۷. طوسی، تهذیب الاحکام، ۷۱/۸؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ۳۸۰/۱۵

۸. کلینی، الکافی، ۸۱/۶؛ طوسی، التهذیب، ۷۰/۸؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ۳۸۰/۱۵

- روایتی که در کافی و تهذیب از کنانی از امام صادق(ع) آمده که فرمود: طلاق حامل یکی است و عده‌ی او اقرب الاجلین است.<sup>۱</sup>
- از ابو بصیر از امام صادق(ع) نقل شده که: زنان آبستن تنها یک بار طلاق داده می‌شوند.<sup>۲</sup>
- روایتی که در کافی با اسانید بسیاری که در میان آنها صحیح نیز هست از اسماعیل جعفی از امام ابو جعفر(ع) نقل شده که فرمود: طلاق حامل یکی است؛ پس هر گاه وضع حمل نمود از مرد جدا می‌شود.<sup>۳</sup>
- خبری که صدوق در فقیه از زراره از ابو جعفر مانند روایت قبلی آورده است و طریق او به زراره در مشیخه صحیح است.<sup>۴</sup>
- روایت صحیحی که در مورد زن آبستن در کافی و تهذیب آمده است که: طلاق او یکی است و اجلش آن است که وضع حمل نماید که اقرب الاجلین است.<sup>۵</sup>
- امام رضا(ع) به نقل از کتاب فقه رضوی می‌فرماید: طلاق حامل یکی است و اجل آن وضع حمل است و این اقرب دو اجل است. پس هر گاه در همان روز طلاق یا بعدش هر زمان که وضع حمل یا سقط کرد، از مرد جدا شده و برای شوهران حلال می‌شود. و چنانچه پیش از وضع حمل، سه ماه بگذرد، از مرد جدا می‌شود و برای ازواج حلال می‌گردد تا وضع حمل کند. پس اگر پیش از وضع حمل یا سپری شدن سه ماه، رجوع کرد و سپس خواست طلاقش دهد، نمی‌تواند چنین کاری کند تا هنگامی که وضع حمل نموده و پاک گردد.<sup>۶</sup>

غالب روایات وحدت طلاق، دارای سند صحیح و معتبر هستند. لکن در خصوص کتاب فقه رضوی دو قول وجود دارد. گروهی آن را از منشآت امام(ع) می‌دانند.<sup>۷</sup> ولی برخی نیز آن را تألیف والد صدوق می‌شمارند.<sup>۸</sup> و معتقدند اگر این کتاب از روایات امام(ع) بود باید در طول زمان، مشهور می‌شد.<sup>۹</sup>

همچنین دو روایت نهی از زیاده نیز برای قول صدوقان در منع مطلق، مورد تمسک قرار می‌گیرد:

روایتی را که صدوق و شیخ در فقیه و تهذیب از محمد بن منصور صیقل از پدرش از امام صادق(ع) در باره مردی که همسر آبستنش را طلاق می‌دهد؟ فرمود: طلاق بدهد. گفتم: می‌تواند رجوع کند؟ فرمود بله. گفتم: اگر پس از رجوع، خواست دوباره طلاقش دهد؟ فرمود: نه تا این که وضع حمل نماید.<sup>۱۰</sup>

امام رضا(ع) در کتاب فقه رضوی می‌فرماید: طلاق حامل یکی است و اجل آن وضع حمل است و این اقرب دو اجل است. پس هر گاه در همان روز طلاق یا بعدش هر زمان که وضع حمل یا سقط کرد، از مرد جدا شده و برای شوهران حلال می‌شود. و چنانچه پیش از وضع حمل، سه ماه بگذرد، از مرد جدا می‌شود و برای ازواج حلال می‌گردد تا وضع

۱. کلینی، الکافی، ۸۱/۶؛ طوسی، التهذیب، ۷۰/۸؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ۳۸۰/۱۵

۲. کلینی، الکافی، ۸۱/۶؛ طوسی، التهذیب، ۷۰/۸؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ۳۸۱/۱۵

۳. کلینی، الکافی، ۸۱/۶؛ طوسی، التهذیب، ۷۰/۸؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ۳۸۱/۱۵

۴. ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ۳۲۹/۳

۵. کلینی، الکافی، ۸۲/۶؛ طوسی، التهذیب، ۷۱/۸؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ۴۱۹/۱۵

۶. علی بن بابویه، فقه الرضا، ۲۴۴

۷. مجلسی اول، روضة المتقین، ۱۶/۱

۸. طوسی، الغیبة، ۲۵۲

۹. سبحانی، المواهب، ۲۷

۱۰. ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ۳۳۱/۳؛ طوسی، الاستبصار، ۲۹۹/۳؛ التهذیب، ۷۱/۸؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ۳۸۱/۱۵



حمل کند. پس اگر پیش از وضع حمل یا سپری شدن سه ماه، رجوع کرد و سپس خواست طلاقش دهد، نمی‌تواند چنین کاری کند تا هنگامی که وضع حمل نموده و پاک گردد.<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد آنچه اصحاب از صدوقان نقل کرده‌اند، بدرستی نقل نشده است، چرا که آنچه در المقنع است عین چیزی است که حضرت رضا(ع) در فقه رضوی فرمود: اجل زنان باردار وضع حملشان است و این اقرب دو اجل است و زمانی که روز طلاق یا پس از آن، وضع حمل یا سقط نمود از مرد جدا شده. بنا بر این، تا پیش از وضع حمل برای مردان حلال نیست. اما اگر پیش از وضع حمل یا سپری شدن سه ماه به زن رجوع کرد و سپس خواست طلاقش دهد، پیش از وضع حمل چنین حقی ندارد.<sup>۲</sup> و از امام صادق(ع) در باره زن بارداری که شوهرش او را طلاق داده و رجوع کرده و برای بار سوم طلاقش داده فرمود: از مرد جدا شده و برای او حلال نمی‌شود مگر با مرد دیگری نکاح کند و طلاق زن باردار یکی است و عده‌ی او اقرب دو اجل است. روشن است که مفهوم این روایت همان چیزی است که از کتاب فقه(رضوی) نقل شد چرا که صدوق پدر در آنجا فتوا داده که طلاق حامل یکی است و عده‌اش اقرب الاجلین است که همان وضع حمل است و بر همین اساس فتوا داده که چنانچه پیش از سپری شدن عده (سه ماه) یا وضع حمل، رجوع کند، فقط پس از وضع حمل حق طلاق دارد.<sup>۳</sup> و این فتوا ظاهر بلکه صریح است در این که طلاق دوم مادامی که باردار است جایز نیست و سپس کلام امام صادق(ع) را نقل کرده که مضمون همان دو موثقه قبلی عمار است که بیش از یک طلاق صحیح است و این که این مطلب را به روایت نسبت می‌دهد با این که بر خلاف آن فتوا داده است، نشان از اختلاف روایت در آن زمان نزد آنان دارد ولی راجح از نظر او همان فتوایش است که بر اساس اعتماد او بر کتابی است که به عبارت آن فتوا داده است و مانند این بسیار است مخصوصاً در کتب عبادات که صدوقان در مقابل اخبار صحیح صریح بسیاری که بر خلاف است، بر این کتاب اعتماد می‌کنند و با عبارات آن فتوا می‌دهند. از آنچه توضیح دادیم روشن می‌شود که مستند صدوقان در مذهبشان کتاب فقه رضوی است و این که مذهب آنها مورد پذیرش سید سند (عاملی) قرار گرفته است.

بعداً در قول مختار قول اول منسوب به صدوقان را تقویت خواهیم کرد.

### نقد قول صدوقان:

یکی از محققان بر این باور است که این اخبار توانایی مقاومت با روایات جواز مطلق را ندارند، زیرا روایات جواز با شهرت عظیمه، موافقت با عموم کتاب و سنت و اجماعات محکیه، منجبر و معتضد هستند. بنا بر این، یا بر فضیلت حمل می‌شوند به این معنا که مستحب است که زن آبستن بیش از یک بار طلاق داده نشود و یا بر وحدت صنفیه محمول می‌گردند یعنی طلاق حامل یک صنف است و آن عبارت از ما عدای سنی به معنای اخص که از اخبار استفاده می‌شود. زیرا این قسم نیز اگر چه به لحاظ صنف، متعدد است از این جهت که شامل عدی و غیر عدی می‌گردد، جز آن که یک چیز یعنی رجعی بودن، آنها را گرد هم می‌آورد و شاید به همین جهت بوده که طلاق در روایات به دو قسم سنی و عدی تقسیم شده است.<sup>۴</sup> اشکال دیگری که بر قول صدوقان گرفته شده است، مخالفت آن با اجماع است. صاحب جواهر می‌نویسد: در مقابل قول

۱. ابن بابویه، فقه الرضا، ۲۴۴؛ نوری، مستدرک الوسائل، ۳۵۰/۱۵

۲. ابن بابویه، همان، ۲۴۴

۳. ابن بابویه، همان، ۲۴۴

۴. طباطبایی، ریاض المسائل، ۲۵۲/۱۲

ما اگر چه که صدوقان به طور مطلق، طلاق بیش از یک بار را ممنوع دانسته‌اند اما اجماع با آنها مخالف است، اجماعی که اگر پیش از آنها شکل نگرفته باشد، پس از آنها تحقق یافته است.<sup>۱</sup> هر چند در نقد اشکال صاحب جواهر می‌توان گفت اولاً تحقیق اجماع در چنین مسئله‌ای که کانون اقوال مختلف است، بعید است و ثانیاً تحقیق اجماع پیش از صدوقان که از اقدم فقیهان هستند نیز ابعده است.

## ۲) قول ابن جنید اسکافی:

ابن جنید معتقد است زن آبستن را پس از واقعه، پیش از یک ماه نمی‌توان طلاق عدی داد به این معنا که پس از رجوع مرد و واقعه با زن، برای طلاق بعدی باید یک ماه از زمان واقعه گذشته باشد. وی بنا بر نقل مختلف می‌گوید: طلاق بر زنان آبستن واقع می‌گردد و البته مرد حق رجوع دارد. پس چنانچه قصد طلاق زن آبستن را داشته باشد، باید از زمان واقعه‌اش در رجعت، یک ماه او را واگذارد و سپس طلاق دهد و اگر باز هم رجوع کرد و خواست طلاقش دهد، به همین گونه عمل کند و چنانچه در بار سوم نیز رجوع کرد و طلاق داد، برای مرد حرام می‌شود تا زمانی که محلل بگیرد.<sup>۲</sup>

### دلیل ابن جنید:

ابن جنید در این دیدگاه بر اساس روایاتی که مضمونشان همین است بنا گذارده است.

روایت صحیحی که در کافی از برید کناسی نقل کرده که می‌گوید: از ابو جعفر (ع) از طلاق زنان آبستن پرسیدم: فرمود: آنها را با طلاق عدی به شهور و شهود طلاق می‌دهد. گفتم: می‌تواند رجوع کند؟ فرمود: بله و او همسرش است. گفتم: اگر او را برای بار دوم در برابر شهود طلاق داد، سپس در حضور شاهد رجوع کرد و واقعه هم نمود و آن گاه برای بار سوم او را در برابر شهود طلاق داد و برای هر عده‌ای یک ماه سپری کرد، آیا از مرد همانند مطلقه‌ی طلاق عدی که نیاز به محلل دارد جدا می‌شود؟ فرمود: بله. گفتم: عده‌اش چقدر است؟ فرمود: عده‌اش وضع حمل است که پس از آن برای شوهران حلال است.<sup>۳</sup>

همان‌طور که از روایت استفاده می‌شود، جواز طلاق دوم و سوم زن آبستن به صورت عدی، متوقف بر سپری شدن یک ماه از هر واقعه است.

### نقد قول ابن جنید:

در پاسخ ابن جنید می‌توان همان پاسخ قول صدوقان را مطرح کرد که این روایت واحده توان مقابله با روایات جواز که هم بسیار هستند و هم به لحاظ سندی از قوت برخوردارند ندارد و از این گذشته روایات جواز با اجماع محکیه، شهرت عظیمه و عموماً کتاب و سنت نیز معتضد هستند. بدین جهت برخی معتقدند این روایت یا محمول بر استحباب است یعنی سپری شدن یک ماه پس از واقعه، در طلاق دوم و سوم، مستحب است، یا بر شدت کراهت بدون گذشت یک ماه، همان‌طور که غالب متأخران بر آن هستند.<sup>۴</sup> صاحب جواهر نیز اعراض اصحاب از این روایت را دلیل ضعف قول ابن جنید می‌داند. او

۱. صاحب جواهر، جواهر الکلام، ۱۳۲/۳۲

۲. به نقل از علامه در المختلف، ۵۸۸

۳. کلینی، الکافی، ۸۲/۶؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۳۸۲/۱۵

۴. طباطبایی، ریاض المسائل، ۲۵۵/۱۲

چنین می‌نگارد: و همین‌طور از ابن جنید نقل شده که یک ماه را معتبر دانسته است و تنها دلیل آن خبری است که اصحاب قدیم و جدید از آن اعراض نموده‌اند و از این رو شایستگی معارضه با اطلاق نصوص سابق را ندارد چه رسد به معارضه با نصوص صریح، خصوصاً که امکان دارد آن خبر را بر نوعی از ندب حمل کرد به اعتبار دور شدن از مشابهت روش عامه که سه طلاق را بدون رجوع در یک مجلس، جایز می‌دانند چه برسد با وجود واقعه.<sup>۱</sup> نقد صاحب جواهر مبتنی بر نگره‌ای است که اعراض اصحاب از روایت را موجب ضعف آن می‌شمارد. اصولاً در موهن بودن اعراض نسبت به سند روایت، دو دیدگاه وجود دارد. مشهور متأخران، اعراض مشهور را از عمل به یک خبر، موجب سلب حجیت آن می‌دانند.<sup>۲</sup> در مقابل، برخی نیز اعراض را موهن سند روایت نمی‌دانند.<sup>۳</sup>

### ۳) قول شیخ طوسی در نهاییه

شیخ در نهاییه و گروهی دیگر طلاق بیش از یک بار حامل را فقط در طلاق عدی اجازه کرده‌اند (طوسی، النهاییه، ۵۱۷؛ الوسيلة: ۳۲۲، و المهدب ۲: ۲۸۵). او گفته است: چنانچه بنخواهد همسر آبستنش را که حملش آشکار است طلاق دهد، می‌تواند او را هر گاه بنخواهد طلاق دهد. و اگر او را یک بار طلاق داد، سزاوارتر به رجوع است ما دامی که وضع حمل نکرده است. بنا بر این، هر گاه رجوع کرد و خواست او را طلاق سنی دهد، تا زمانی که وضع حمل نکرده است، حق طلاق ندارد. اما اگر پس از رجوع بنخواهد او را طلاق عدی بدهد، با او واقعه کرده و سپس طلاق می‌دهد. در این حالت، زن با دو طلاق از او جدا می‌شود و باز هم مرد سزاوارتر به رجوع به اوست. آن گاه اگر رجوع کرد و خواست برای بار سوم او را طلاق دهد، باید با او واقعه کرده سپس طلاقش دهد که پس از طلاق سوم، آن زن بر او حلال نخواهد بود مگر آن که با زوج دیگری نکاح کند.<sup>۴</sup> ابن براج و ابن حمزه نیز از شیخ تبعیت نموده‌اند.<sup>۵</sup>

### دلیل قول شیخ:

مهم‌ترین دلیل شیخ، جمع میان نصوص است. او معتقد است ادله‌ای که دلالت بر وحدت طلاق زن آبستن دارند بر سنی به معنای متقدم حمل می‌شوند. مانند این دو روایت صحیح که پیش از این ذکر شد:

روایت صحیح شیخ در تهذیب در باره زن آبستن از امام صادق(ع): طلاق حامل یکی است و اگر زن خواست، مرد پیش از وضع حمل به او باز می‌گردد ولی اگر پیش از رجوع، وضع حمل نمود، از مرد جدا شده و مرد مانند دیگر خواستگاران است.<sup>۶</sup>

اسماعیل جعفی در خبر صحیح از ابو جعفر(ع) که فرمود: طلاق حامل یکی است، پس هر گاه وضع حمل نمود، از مرد جدا می‌شود. کلینی نیز مانند آن را روایت کرده است.<sup>۷</sup>

مفاد این روایات آن است که زن آبستن را تنها یک بار می‌توان طلاق داد. شیخ معتقد است این دسته از روایات، ناظر به طلاق سنی است. اما روایات جواز را باید بر عدی حمل نمود مانند این موثقات سه‌گانه که در ذیل می‌آید:

۱. صاحب جواهر، جواهر الکلام، ۱۳۸/۳۲-۱۴۲.

۲. نائینی، اجود التقريرات، ۱۰۰/۲؛ خوئی، مصباح الاصول، ۲۰۳/۲؛ صدر، نهاییه النرایه، ۴۰۲.

۳. آخوند خراسانی، کفایه الاصول، ۳۳۳.

۴. طوسی، النهاییه، ۵۱۷.

۵. بحرانی، الحدائق، ۲۸۳/۲۵.

۶. طوسی، التهذیب، ۷۱/۸؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۳۸۰/۱۵.

۷. کلینی، الکافی، ۸۱/۶؛ طوسی، التهذیب، ۷۰/۸؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۳۸۰/۱۵.

موثقه اسحاق بن عمار از ابو الحسن (ع) که می‌گوید: از حضرت در باره مردی که در یک روز همسر آبستنش را طلاق داده سپس رجوع کرده و باز طلاق داده و برای بار سوم پس از رجوع طلاق داده است پرسیدم آیا از مرد جدا می‌شود؟ فرمود: بله.<sup>۱</sup>

روایت موثقی را که در تهذیب از اسحاق بن عمار آورده که می‌گوید: به ابو ابراهیم (ع) گفتم: زن آبستن را مرد طلاق داده سپس رجوع کرده و آن‌گاه طلاق داده و سپس رجوع کرده و برای بار سوم طلاق می‌دهد. فرمود: از مرد جدا می‌شود و برای او حلال نیست مگر با زوج دیگری نکاح کند.<sup>۲</sup>

موثقه اسحاق بن عمار از ابو الحسن اول (ع) که می‌گوید: از زن آبستن پرسیدم که آیا می‌شود به گونه‌ای طلاق داده شود که نیاز به محلل داشته باشد؟ فرمود: بله. گفتم: آیا به من نفرمودید هنگامی که مجامعت کرد حق ندارد طلاقش دهد؟ فرمود: طلاق نیست مگر در طهری که آشکار شده یا حملی که آشکار شده است و این زن، حملش آشکار شده است.<sup>۳</sup>

راوی گمان کرده طلاق پس از واقعه و پیش از استبراء جایز نیست که حضرت می‌فرماید: این در غیر از زن حاملی است که حملش مشخص شده است زیرا چنین زنی از زنانی است که طلاقشان در هر حالی جایز است.

همان‌گونه که در موثقات سه‌گانه دیده می‌شود، مفاد آنها جواز طلاق دو و سوم حامل است به صورت مطلق است. اما علت این که شیخ به این شیوه میان روایات وحدت و روایات جواز مطلق جمع نموده است، وجود دو خبر در ذیل روایات موثق است که تصریح به عدی دارند.<sup>۴</sup> و در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

روایت صحیحی که در کافی از برید کناسی نقل کرده که می‌گوید: از ابو جعفر (ع) از طلاق زنان آبستن پرسیدم: فرمود: آنها را با طلاق عدی به شهور و شهود طلاق می‌دهد. گفتم: می‌تواند رجوع کند؟ فرمود: بله و او همسرش است. گفتم: اگر او را برای بار دوم در برابر شهود طلاق داد، سپس در حضور شاهد رجوع کرد و واقعه هم نمود و آن‌گاه برای بار سوم او را در برابر شهود طلاق داد و برای هر عده‌ای یک ماه سپری کرد، آیا از مرد همانند مطلقه‌ی طلاق عدی که نیاز به محلل دارد جدا می‌شود؟ فرمود: بله. گفتم: عده‌اش چقدر است؟ فرمود: عده‌اش وضع حمل است که پس از آن برای شوهران حلال است.<sup>۵</sup>

روایتی را که شیخ در تهذیب از ابن بکیر از برخی نقل کرده است که می‌گوید: مردی دارای همسری آبستن است و می‌خواهد او را طلاق دهد. حضرت فرمود: چنانچه اراده خود طلاق را دارد (اذا اراد الطلاق بعینه) در برابر شهود طلاقش دهد و سپس اگر در همان روز یا بعداً تصمیم به رجوع گرفت، رجوع می‌کند (یرید الرجعة بعینها) و واقعه می‌نماید و سپس تصمیم به طلاق می‌گیرد و دوباره رجوع می‌کند و باز برای بار سوم طلاق می‌دهد. به این جا که رسید، این زن بر او حلال نیست مگر با زوج دیگری نکاح کند (به این شرط که مرد وقتی رجوع کرده، مقصودش واقعه و امساک بوده و واقعه هم کرده است).<sup>۶</sup>

۱ . طوسی، التهذیب، ۷۳/۸؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ۳۸۲/۱۵  
۲ . طوسی، التهذیب، ۷۱/۸؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ۳۸۱/۱۵  
۳ . طوسی، التهذیب، ۷۱/۸؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ۳۸۲/۱۵  
۴ . طباطبایی، الحدائق، ۲۵۱/۱  
۵ . کلینی، الکافی، ۸۲/۶؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ۳۸۲/۱۵  
۶ . طوسی، التهذیب، ۷۲/۸؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ۳۸۲/۱۵

خلاصه آن که شیخ طوسی بین روایات وحدت طلاق با روایات مجوزه به این گونه جمع نموده که روایات وحدت را حمل بر طلاق سنی و روایات جواز را بر طلاق عدی حمل نموده است و دلیل این جمع نیز دو روایتی است که جواز را به طلاق عدی اختصاص داده است.

### نقد قول شیخ:

گفته شد شیخ بین روایات لزوم وحدت طلاق با جواز بیش از یک بار چنین جمع نموده که روایات وحدت را بر طلاق سنی و روایات جواز را بر طلاق عدی حمل کرده است و علت این حمل هم وجود دو روایتی است که جواز را صراحتاً مقید به عدی می‌کنند. اشکالی که به این جمع وارد می‌شود آن است که اولاً حمل شیخ یک حمل عرفی نیست و تبرعی است زیرا فاقد ظهور عرفی است و ثانیاً دو روایتی را که شیخ بر مبنای آنها روایات جواز را تقیید می‌کند، مثبت این مدعا نیستند زیرا روایت اول (برید کناسی) نمی‌تواند تقییدکننده باشد و تنها ثبوت در مورد خود را می‌توان از آن استفاده کرد که با نفی از ما عدا ملازمه ندارد به این معنا که از جمله حضرت که فرمود: آنها را با طلاق عدی به شهور و شهود طلاق می‌دهد، نمی‌توان منع از طلاق غیر عدی استفاده کرد. و روایت دوم نیز به سبب این بکیر، مرسله است و نمی‌تواند روایت معتبره را تقیید زند. افزون بر این که معتبره دارای مرجحات بسیار منصوص و دارای اعتباری است که موجب رجحانش بر این روایتی که ولو صحیح‌السند و واضح‌الدلالة است می‌شود.<sup>۱</sup> همچنین در خصوص روایت اسحاق بن عمار که به طور مطلق طلاق بیش از یک بار را جایز شمرده است و شیخ بدان استناد کرده است می‌توان گفت: او فطحی و مورد طعن است و نمی‌توان با خبر واحد او از اخبار مستفیضی که طلاق حامل را یکی می‌دانند خارج شد و ثانیاً در این روایت اسمی از واقعه برده نشده است و طلاق دوم و سوم به طور مطلق، جایز شمرده شده است.

افزون بر اشکالاتی که ذکر شد، شهید ثانی نیز دو اشکال بر شیخ وارد ساخته است: اول این که محل اختلاف، طلاق دوم است نه طلاق اول زیرا بر صحت طلاق اول، اتفاق وجود دارد و روایات آن مستفیض است اعم از آن که سنی باشد یا عدی. و طلاق سنی به معنای اخص برای بار دوم نسبت به حامل، تحقق نمی‌یابد زیرا بعد از طلاق سنی اول که شرطش خروج از عده است، عقد بر زن جایز نیست مگر پس از وضع حمل و در این هنگام، دیگر حامل نیست، بنا بر این در محل بحث داخل نمی‌شود. بلکه اگر در طلاق اول زن را رها کند تا وضع حمل کند، طلاق سنی صدق می‌کند ولی محل بحث نیست زیرا محل کلام، طلاق دوم است که در مورد حامل به طور کلی اتفاق نمی‌افتد. اما اشکال دوم آن است که شیخ جواز را به طلاق عدی اختصاص داد در حالی که اخبار بر جواز تعدد دلالت دارد اگر چه که طلاق عدی نباشد مانند دو موثقه عمار از موثقات سه‌گانه، چرا که ظاهر آنها رجوع بدون واقعه است که نه عدی است و نه سنی به معنای اخص؛ بلکه سنی به معنای اعم است. و در نهایت، شهید بر این باور است که باید از تکلفاتی که در این موضوع صورت گرفته است اعراض کرد و روایات ضعیف‌السند متناقض‌الدلالة را کنار گذارد و به حکم اصل که صحت طلاق حامل است رجوع نمود. افزون بر این که در میان روایات صحیح آنها نیز چیزی که با جواز مطلق، در تنافی باشد وجود ندارد.<sup>۲</sup>

صاحب جواهر جمعی را از گروهی نقل می‌کند بدون آن که از قائلش اسمی ببرد و شگفت آن که بعد از آن به بی‌فائل بودن این قوا اشکال می‌کند. او چنین می‌نویسد: در مقابل جمع شیخ و اتباعش گروهی نیز چنین بین نصوص جمع کرده‌اند که

۱. (طباطبایی، ۲۵۳/۱۲؛ روحانی، ۱۵۹/۳۴).  
۲. شهید ثانی، المسالك، ۱۳۲/۹

روایات وحدت طلاق حامل را بر کسی حمل کرده‌اند که قصد نگه‌داشتن زن را با رجوع ندارد بلکه به عنوان مقدمه طلاق رجوع کرده است که این جایز نیست به خلاف کسی که با قصد نگه‌داشتن و مواقعه رجوع کرده است ولی بعداً نظرش عوض شده و او را طلاق داده است. صاحب جواهر معتقد است این جمع صحیح نیست زیرا اولاً همه نصوص را در بر نمی‌گیرد زیرا تنها در روایت ابن بکیر چنین مطلبی وجود دارد. ثانیاً این نوع جمع و امثال آن بعد از فرض تکافؤ است که معلوم است این جا وجود ندارد زیرا روایات وحدت طلاق، مطلق هستند و روایات جواز می‌توانند آنها را تقیید کنند و دیگر نیازی به جمع تبرعی نمی‌ماند. بنا بر این، تنها راه، عمل به نصوص جواز است که معتضد هم هستند.<sup>۱</sup>

#### ۴) قول مشهور

طلاق دادن زن حامل که آبستنی اش معلوم است، بیشتر از یک بار حتی با طلاق سنت یا عدی بنا بر مشهور جایز است.<sup>۲</sup> بنا بر این قول، مرد می‌تواند همسر باردارش را یک بار طلاق داده و سپس رجوع کند و این کار را تا سه بار انجا دهد و می‌تواند پس از هر بار طلاق، رجوع و مواقعه نماید.

#### ادله قول مشهور:

۱- اجماع: در شرایع و قواعد و ایضاح و شرح اول صیمری، بر این قول ادعای اجماع فی الجمله شده است.<sup>۳</sup> البته حجیت اجماع منوط به شرایط خاصی است و به طور مطلق نمی‌تواند قسیم کتاب و سنت قرار گیرد. مضاف بر این که تحصیل اجماع در چنین مسئله‌ای که معرکه آرا و اقوال متخالف است، ناممکن می‌نماید. اشکال دیگر آن که به فرض تحقق چنین اجماعی، به سبب وجود روایات مستند آن، این اجماع از نوع مقطوع المدرکیه است که فاقد حجیت است.

۲- روایات: مهم‌ترین دلیل قائلان به جواز مطلق زن آبستن، عموم و اطلاق طلاق و خصوص روایات مجوزه است که در میان آنها روایات صحیح، موثق و مرسل وجود دارد. موثقات سه‌گانه اسحاق بن عمار را قبلاً در ادله شیخ آوردیم.<sup>۴</sup> این سه روایت به جهت وجود «اسحاق بن عمار» که فطحی مذهب است موثقه به شمار می‌روند.<sup>۵</sup> این سه موثقه، مطلق بلکه عام است و شامل هر دو طلاق سنی و عدی می‌گردد زیرا در همه آنها تعبیر به «زن آبستنی که شوهرش او را طلاق داده است» شده است. و همچنین

مرسله ابن بکیر که در باره مردی که می‌خواهد همسر آبستنش را طلاق دهد می‌گوید: هر گاه واقعا می‌خواهد او را طلاق دهد، در برابر شهود طلاق دهد و اگر همان روز یا پس از آن تصمیم به رجوع گرفت، رجوع و مواقعه می‌کند، آن گاه باز تصمیم به طلاق می‌گیرد و بعد از طلاق مانند بار قبلی رجوع می‌کند و باز برای بار سوم او را طلاق می‌دهد. این همان زنی است که برای او حلال نخواهد شد مگر با مرد دیگری ازدواج کند (چنانچه وقتی مرد به همسرش رجوع می‌کرد، اراده مواقعه و امساک داشت و مواقعه هم کرده باشد).<sup>۶</sup>

۱. صاحب جواهر، الجواهر، ۱۳۶/۳۲.

۲. ابن ادریس، السرائر، ۱۵۰/۱؛ محقق حلی، الشرایع، ۲۴/۳؛ علامه، القواعد، ۶۵/۲؛ شهید ثانی، المسالك، ۱۳۵/۹؛ صاحب جواهر، الجواهر، ۱۳۲/۳۲.

۳. محقق حلی، الشرایع، ۲۴:۳، علامه، القواعد ۶۵:۲، فخر المحققین: الايضاح، ۳۱۸:۳؛ صاحب جواهر، الجواهر، ۱۳۲/۳۲.

۴. حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۸ تا ۱۴۷/۲۲.

۵. طوسی، الفهرست، ۱۵.

۶. حر عاملی، وسائل الشیعه، ۳۸۲/۱۵.

و خبر برید کناسی از ابو جعفر (ع) که قبلاً ذکر شد.<sup>۱</sup> افزون بر اینها، خصوص دو روایت در باره طلاق عدی است که در ذیل ادله شیخ ذکر شد.<sup>۲</sup>

برخی از مدافعان قول به جواز مطلق، به شدت بر تفصیل بی مورد اشکال می‌کنند. مثلاً شهید ثانی در مسالک، اقوال و تفصیلی را که در این مسئله داده شده ناموجه می‌شمارد و رجوع به اصل جواز طلاق را سزاوارتر می‌داند. او اخبار نهی از طلاق زاید را حمل بر کراهت نموده و این کراهت را در پیش از یک ماه، آکد می‌داند.<sup>۳</sup> صاحب جواهر در دفاع از این قول و عدم منافاتش با روایات وحدت طلاق می‌نویسد: و این قول با نصوص صحیح و غیر صحیح بسیاری که طلاق حامل را یک بار می‌دانند و نیز خبر منصور صیقل از امام صادق (ع) از این که پس از رجوع و قبل از وضع حمل، دوباره زن آبستن طلاق داده شود نهی شده است، منافات ندارد زیرا اولاً خبر منصور بن صیقل شاذ است چرا که قائلی به مضمونش جز صدوقان وجود ندارد. از دیگر سو، محتمل است مراد اتحاد صنفی باشد به این معنا که فصلی بین آنها با انقضای طهری یا خلو از عده نباشد. (مراد آن است که روایات لزوم وحدت طلاق حامل، به معنای وحدت صنفی است نه نوعی که اگر طلاق دوم و سوم از صنف دیگر باشند اشکالی ندارد). همچنین محتمل است مراد، استحباب اتحاد بلکه کراهت تعدد باشد و امثال این احتمالات که ایرادی به آنها نیست بعد از آن که نصوص سابق با عموم کتاب و سنت و عمل حاضران عصر کتاب و سنت تا زمان ما، با همه اختلاف بلاد و مشارب، ترجیح داده شده‌اند.<sup>۴</sup>

#### نقد قول مشهور:

اما اشکالاتی که بر قول مشهور وارد است:

الف) اشکال نخست وجود برخی روایت ضعیف السند در میان روایات جواز مطلق است مانند دو روایت جواز در طلاق عدی است که مقطوع و مجهول الاسناد هستند.<sup>۵-۶</sup>

ب) تنافی میان روایات غیر قابل اغماض است. مشهور با روایات لزوم اتحاد طلاق و نیز نهی از طلاق بیشتر چه می‌کنند؟

ب) اما مهم‌ترین اشکالی که بر قول مشهور می‌توان گرفت غیر عرفی بودن این جمع است. بر اساس تقسیمی، اصولیان جمع را به دو دسته عرفی و تبرعی تقسیم می‌کنند. جمع عرفی که... اما جمع تبرعی عبارت است از رفع تعارض میان متعارضان بدون آن که قرینه‌ی عرفی یا لفظی در میان باشد. در این گونه جمع معمولاً از ظهور یک یا هر دو دلیل دست کشیده شده و آنها را به تأویل می‌برند. این نوع جمع معمولاً از طریق اعتبارات عقلی انجام می‌شود و مبنای عقلایی ندارد.<sup>۷</sup> بر خلاف قول صدوقان، ابن جنید و شیخ طوسی که مستند خاص روایی داشت، قول مشهور به جواز مطلق طلاق حامل، فاقد دلیل خاص است. برای روشن شدن مطلب، دلیل صاحب جواهر را در جمع تبرعی مرور کنیم که گفت روایات وحدت

۱. کلینی، الکافی، ۸۲/۶؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ۳۸۲/۱۵

۲. کلینی، الکافی، ۸۲/۱۲؛ طوسی، التهنیب، ۷۲/۸؛ الإستبصار، ۳۰۰/۳؛ ۳۰۰:۳/۱۰۶۲

۳. شهید ثانی، مسالک، ۱۳۴/۹

۴. صاحب جواهر، جواهر الکلام، ۱۳۲/۳۲

۵. طباطبایی، ریاض المسائل، ۲۵۳/۱۲

۶. هر چند در پاسخ گفته شده است: مناقشه در سند این اخبار خصوصاً دو روایت اخیر، با اعتضاد و انجبار به شهرت عظیمه و موافقت با عموم کتاب و سنت دفع می‌شود افزون بر این که دو روایت اخیر با اجماعات محکمه نیز اعتضاد می‌گردند: طباطبایی، ۱۷۸/۲.

۷. مظفر، اصول الفقه، ۲۰۷/۲

طلاق و نیز نهی از طلاق بیش از یکی را بر یکی از سه چیز حمل می‌کنیم: اتحاد صنفی، استحباب اتحاد و کراهت تعدد. پر واضح است که ایشان بدون هیچ نشانه و معاضدت عرفی، اقدام به این جمع‌ها نموده است.

### قول برگزیده:

پس از بررسی و تحلیل اقوال و مستندات موجود، به نظر می‌رسد تفصیل در مسئله به صواب نزدیک‌تر باشد به این صورت که پس از فرض تکافوء ادله و عدم وجود مرجح منصوص و غیر منصوص در بین، به نوعی دیگر از جمع بین ادله قائل می‌شویم که نتیجه آن تفصیل بین موارد بر اساس قصد شوهر است. هر چند این وجه، نیز نوعی از جمع بین روایات تلقی شود، ولی مسیری که پیموده شد، متفاوت است. بر این اساس، ادله وحدت طلاق حامل بر موردی حمل می‌شود که شوهر قصد ندارد با رجوعش زن را نگه دارد بلکه تنها آن را به عنوان مقدمه طلاقش قرار می‌دهد که در این صورت، طلاق بیش از يك بار جایز نیست و روایات جواز را بر غیر این مورد حمل نمی‌نماییم یعنی جایی که شوهر از رجوعش قصد امساک زوجه و مواجهه با او را دارد ولی به سببی از قصدش منصرف می‌شود.

### دلیل قول برگزیده:

در آغاز باید یادآور شد که داوری در مسئله‌ای که معرکه اقوال فحول فقه امامیه است و روایات بسیاری با مدالیل متفاوت در آن خصوص وجود دارد، کار دشواری است. در مباحث پیشین، با دقت اقوال موجود در مسئله ذکر و مورد نقادی قرار گرفت. مع الاسف امری که جای آن در میان اقوال و مستندات خالی بود، توجه به اصول و مقاصد عامه شریعت است که متخذ از آیات و روایات قطعی است. برای هر خواننده‌ای این ابهام رخ می‌نماید که آیا زن کالایی است که می‌توان هر زمان او را طلاق داد و سپس رجوع نمود؟ هر چند این ابهام در اصل سه، شش و نه طلاقه کردن زن به طور عموم هم قابل طرح است اما در باب زن حامل از حساسیت بیشتری برخوردار است. زنی که کودکی در رحم دارد و شرایط جسمی و روحی او در سلامت کودک و خود او بسیار تأثیرگذار است. بنا بر این، استدلال کردن بر این مسئله تنها با نظر به روایات خاص آن شاید با فقه مقاصدی چندان سازگار نباشد.

اما حتی اگر بخواهیم با همین روایات نیز بر حکم مسئله استدلال شود، علی القاعده باید به ضوابط باب تعارض ادله رجوع کرد. اولین گام اثبات وجود تعارض ولو بدوی میان این روایات است. روشن است که روایات وحدت طلاق حامل و نهی از زیاده بر یکی، با روایات مجوزه تنافی دارند. اما نکته‌ای که هست روایاتی که در این باب وارد شده است، میان اخبار صحیح و غیر صحیح دوران دارد. روایاتی که طلاق حامل را به طور مطلق، در یک طلاق ویژه می‌سازند، دارای اسانید صحیح و مستفیض هستند و در مقابل آنها نیز روایات صحیح و موثقی وجود دارد. بنا بر انگاره‌ای که تعارض اخبار را به وجود تکافوء دو دلیل منحصر می‌کند و پس از آن به دنبال راه‌های علاج آن می‌گردد، باید اقرار کرد که تکافوء روایات حاصل است. حتی اگر چند روایت میان روایات جواز، مانند ابن ابی عمیر، منصور صیقل و یزید کناسی هم به سبب اشکال سندی، طرح شود، باز هم روایات جوازی که برخوردار از سند معتبر هستند کم نیست. از این روی بایسته است که به دنبال راه‌های رفع تعارض رفت. مسیری که شیخ طوسی، ابن جنید اسکافی و صدوقان (در نسبت دوم) پیمودند، موجه نبود و اشکالات آن تبیین شد. راه حل مشهور هم که مبتنی بر جمع تبرعی بود، قادر به حل عویصه نبود چرا که به یک‌باره روایات وحدت را



طرح می‌کرد. این جا دو راه باقی می‌ماند. یا رجوع به جمع عرفی که به تقدیم اظهر بر ظاهر باز می‌گردد.<sup>۱</sup> و یا رجوع به مرجحات باب تعارض و در صورت تعادل، تساقط و رجوع به اصل عملی در مسئله که موافق با جواز مطلق است. در میان مرجحات منصوصه، اولین مرجح، مرجح سندی است.<sup>۲</sup> که در این جا محلی ندارد زیرا گفته شد که در هر دو طرف، روایات صحیح و معتبر وجود دارد. سایر مرجحات مانند جهتی و مضمونی نیز جایگاهی در این موضوع ندارند. بنا بر این باید به سراغ مرجحات غیر منصوصه رفت مانند اجماع. قبلاً گفته شد که اجماع معتبری در مسئله محقق نشده است. اما به نظر می‌رسد بی‌توجهی به مقاصد و مذاق شریعت و اصول متخذ از قرآن کریم در باب انحلال نکاح سبب شده تا نگاه فقیهان عظام تنها بر روایات موجود در مسئله محدود شود در حالی که یک طریق دیگر برای جمع بین ادله، توجه به اصل قرآنی «لزوم رعایت اصلاح در طلاق» است. قرآن کریم در یک آموزه قاعده‌ساز می‌فرماید: «وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا».<sup>۳</sup> این آیه چنین مقرر می‌دارد که رجوع زمانی يك «حق» برای شوهر محسوب می‌شود که قصد امساک به معروف همسرش را داشته باشد. به عبارت دیگر یکی از دو امر بر شوهر واجب است: یا امساک به معروف یا تسریح به احسان، در حالی که این گونه رجوع که مشهور به آن قائلند هیچ کدام از آنها نیست و يك نوع اضرار و لعب محسوب می‌شود. بنا بر این، چنانچه این رجوع بخواهد مقدمه طلاق دیگری باشد، شوهر از چنین حقی برخوردار نیست. نتیجه این راه حل، اگر چه با مبنای مشهور موافق نیست ولی از این که طلاق وسیله‌ای برای بازی با زن قرار گیرد، ممانعت می‌کند، امری که کتاب، سنت و مقاصد شریعت با آن ناسازگار است.

#### نتایج تحقیق:

- ۱- طلاق زن باردار فی حد نفسه اجماعاً و منصوصاً جایز است.
- ۲- در جواز طلاق زن باردار بیش از یک بار، اختلاف بسیاری وجود دارد.
- ۳- دلیل اصلی اختلاف فقیهان در این مسئله، اختلاف روایات است.
- ۴- صدوقان در قول دوم منسوب به آنها بر اساس روایاتی، سپری شدن سه ماه از واقعه را در جواز طلاق دوم و سوم، لازم دانسته‌اند. ابن جنید اسکافی سپری شدن یک ماه را لازم دانسته است. شیخ طوسی طلاق سنی بیش از یک بار را منع کرده ولی طلاق عدی را جایز شمرده است. او روایات وحدت را بر سنی و روایات جواز را بر عدی حمل کرده است. ابن جنید تبرعی بوده و فاقد اعتبار عرفی است. اما مشهور فقیهان، به طور مطلق در سنی و عدی، طلاق بیش از یک بار را مجاز شمرده‌اند. ادله آنها بر عموم و اطلاق آیات و روایات طلاق، اجماع و نیز روایاتی که در باب طلاق حامل وارد شده است، استوار است. اشکال قول مشهور، نفی اجماع، عدم مقبولیت جمع تبرعی، وجود روایات ضعیف در روایات مجوزه و نیز تنافی این روایات با روایات وحدت طلاق است.
- ۵- روایات این مسئله دارای پنج دسته است که در میان آنها روایات صحیح، موثق، معتبر و ضعیف وجود دارد.

۱. نایینی، اجود التقریرات، ۵۱۳/۲

۲. انصاری، فرائد الاصول، ۶۰/۴

۳. بقره، ۲۸۸

۶- قول برگزیده که مبتنی بر گونه‌ای دیگر از جمع عرفی است، تفصیل میان قصد شوهر از طلاق اول است که در صورتی که شوهر قصد ندارد با رجوعش زن را ننگه دارد بلکه تنها آن را به عنوان مقدمه طلاقش قرار می‌دهد، طلاق بیش از یک بار جایز نیست و جایی که شوهر از رجوعش قصد امساک زوجة و واقعه با او را دارد ولی به سببی از قصدش منصرف می‌شود، طلاق بیش از یک بار جایز است.

#### منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. آخوند خراسانی، محمدکاظم. *کفایة الاصول*. قم: مؤسسه آل البيت (ع). چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۳. ابن ادریس، ابوجعفر محمد بن منصور. *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ۱۴۱۰ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی بن الحسین. *المقنع*. قم: مؤسسه الامام الهادی (ع). ۱۴۱۵ق.
۵. \_\_\_\_\_ . *من لا یحضره الفقیه*. قم: مؤسسه نشر اسلامی. بی تا.
۶. ابن براج، عبد العزیز الطرابلسی. *المهذب*. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ۱۴۰۶ق.
۷. ابن جنید اسکافی. *فتاوی ابن الجنید*. اعداد علی پناه اشتهدادی. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ۱۴۱۶ق.
۸. ابن حمزة، ابو جعفر محمد بن علی. *الوسیلة الی نیل الفضیلة*. قم: مکتبة آية العظمی المرعشی. ۱۴۰۸ق.
۹. ابن فهد، جمال الدین احمد بن محمد. *المهذب البارع فی شرح المختصر النافع*. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ۱۴۰۷ق.
۱۰. انصاری، مرتضی. *فرائد الاصول*. قم: کنگره دوستمین سالگرد تولد شیخ انصاری. چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۱۱. \_\_\_\_\_ . *کتاب الطهارة*. قم: کنگره جهانی دوستمین سالگرد تولد شیخ انصاری. ۱۴۱۵ق.
۱۲. \_\_\_\_\_ . *المکاسب*. قم: کنگره جهانی دوستمین سالگرد تولد شیخ انصاری. ۱۴۱۵ق.
۱۳. بحرانی، یوسف بن احمد. *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی. ۱۳۶۳.
۱۴. حر عاملی، محمد بن الحسن. *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*. قم: مؤسسه آل البيت (ع). ۱۴۱۴ق.
۱۵. خوانساری، سید احمد. *جامع المدارک*. قم: مؤسسه اسماعیلیان. چاپ دوم، ۱۴۰۵ق.
۱۶. روحانی، سید صادق. *فقه الصادق (ع)*. قم: آیین دانش. ۱۴۳۵ق.
۱۷. سبحانی، جعفر. *نظام الطلاق فی الشریعة الغراء*. مقرر: سیف الله یعقوبی اصفهانی. قم: مؤسسه امام صادق (ع). ۱۴۱۴ق.
۱۸. سبزواری، محمد باقر. *کفایة الاحکام*. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ۱۴۲۳ق.
۱۹. شهید اول، محمد بن مکی. *اللمعة الدمشقیة*. قم: منشورات دار الفکر. چاپ اول، ۱۴۱۱ق.

٢٠. شهيد ثانی، زين الدين بن علي. الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية. قم: منشورات مكتبة الداوري. ١٤١٠ق.
٢١. \_\_\_\_\_ . مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية. ١٤١٣ق.
٢٢. صاحب جواهر، محمد حسن نجفی. جواهر الكلام في شرح شرايع الاسلام. تهران: دارالكتب الاسلامية. ١٣٦٥.
٢٣. صدر، سيد حسن. نهاية الدراية. نشر المشعر. بی تا.
٢٤. طباطبائی کربلايي، علي بن محمد علي. رياض المسائل (ط. الحديثة). قم: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث. ١٤١٨ق.
٢٥. طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن. تهذيب الاحكام. قم: دار الكتب الاسلامية. ١٣٦٤.
٢٦. \_\_\_\_\_ . الخلاف. قم: مؤسسه نشر اسلامي. ١٤٠٧ق.
٢٧. عاملي، سيد محمد جواد. مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة. قم: مؤسسه نشر اسلامي. ١٤١٩ق.
٢٨. عاملي، سيد محمد عاملي. نهاية المرام في شرح مختصر شرايع الاسلام. قم: مؤسسه نشر اسلامي. ١٤١٣ق.
٢٩. علامه حلي، ابو منصور يوسف بن مطهر. مختلف الشيعة. قم: مؤسسه نشر اسلامي. ١٤١٣ق.
٣٠. \_\_\_\_\_ . منتهى المطلب في تحقيق المذهب. مشهد: بنياد پژوهش های آستان قدس. ١٤١٢ق.
٣١. علم الهدی، شريف مرتضى. رسائل المرتضى. قم: دار القرآن الكريم. ١٤٠٥ق.
٣٢. فاضل آبي، زين الدين ابو علي. كشف الرموز في شرح المختصر النافع. قم: مؤسسه نشر اسلامي. ١٤٠٨ق.
٣٣. فاضل هندی، محمد بن الحسن الاصفهاني. كشف اللثام عن قواعد الاحكام. قم: مؤسسه نشر اسلامي. ١٤١٦ق.
٣٤. فخر المحققين، محمد بن الحسن. ايضاح الفوائد في شرح اشكالات القواعد. قم: مكتبة العلمية. ١٣٨٧ق.
٣٥. قمي سبزواري، علي بن محمد. جامع الخلاف والوفاق. قم: انتشارات زمينه سازان ظهور. بی تا.
٣٦. كركي، علي بن الحسين. جامع المقاصد في شرح القواعد. قم: مؤسسه آل البيت (ع). ١٤٠٨ق.
٣٧. محقق حلي، جعفر بن الحسن. شرايع الاسلام في مسائل الحرام والحلال. تهران: انتشارات استقلال. ١٤٠٣ق.
٣٨. \_\_\_\_\_ . المختصر النافع في فقه الامامية. تهران: قسم الدراسات الاسلامية في مؤسسة البعثة. ١٤٠٢ق.
٣٩. مظفر، محمد رضا. اصول الفقه. قم: مؤسسه نشر اسلامي. بی تا.
٤٠. منصور، جهانگیر. قانون مدني. تهران: نشر ديدار. ١٤٢١ق.
٤١. نايینی، محمد حسين. اجود التقريرات. قم: منشورات مصطفوی. ١٣٦٨.
٤٢. نوری، ميرزا حسين. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بيروت: مؤسسه آل البيت (ع). ١٤٠٨ق.
٤٣. يزدي، سيد محمد كاظم. العروة الوثقى. قم: مؤسسه نشر اسلامي. ١٤١٧ق.